



آگاهی‌های عمومی (علمی، فنی، اخلاقی، تربیتی...) جامعه در چارچوب اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت ملی است.

— آیا کتابخانه عمومی نقشی در توسعه فرهنگی دارد؟ اگر دارد آن نقش چیست و چگونه متجلی می‌شود؟

— کتابخانه عمومی به عنوان کانون و گنجینه فرهنگ مکتوب کشور مهمترین نقش را در توسعه فرهنگی دارد، زیرا کتاب و کتابخانه سابقه طولانی و ریشه‌داری در فرهنگ اسلامی ما دارد و هنوز مهمترین و شناخته‌شده‌ترین کانون انتقال فرهنگ به شمار می‌رود. کتابخانه‌های عمومی هم به دلیل شبکه گسترده آن در سراسر کشور و هم از آنرو که افراد گوناگونی با درجات مختلف سنی، شغلی و تحصیلی از آن استفاده می‌کنند، امتیاز ویژه و منحصر

● کتابخانه عمومی به عنوان کانون و گنجینه فرهنگ مکتوب کشور مهمترین نقش را در توسعه فرهنگی دارد.

● حفظ و حراست از گنجینه‌ای که هیچ‌گونه استفاده‌ای از آن نشود درواقع «دفن» گنجینه است نه «عرضه» آن.

به فردی در توسعه فرهنگی دارد و این وظیفه را با توسعه کمی و کیفی کتابخوانی در سطح جامعه و با شیوه‌ها و تمهیدات گوناگون می‌تواند انجام دهد.

— چه پیشنهادی برای ایجاد پیوندی مؤثر میان کتابخانه عمومی و توسعه فرهنگی دارید؟

— مدیران و مسئولان کتابخانه‌های عمومی می‌باید که نسبت به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت دولت، آگاهی و اشراف کامل داشته باشند. این امر از دو راه ممکن است: راه اول آموزش سیستماتیک و منظم مدیران با اهداف و برنامه‌های توسعه است و راه دوم پیگیری این اهداف توسط خود مدیران و مسئولان بواسطه وظایف اداری و علایق شخصی است.

آگاهی و اشراف مدیران به اهداف توسعه، بویژه توسعه فرهنگی، آنان را قادر خواهد ساخت تا مجموعه کتابخانه‌های تحت مدیریت خود را در روند سیاست توسعه فرهنگ سازماندهی کرده و گسترش دهند. به عنوان مثال اگر محور توسعه اقتصادی در یک برنامه‌ریزی پنج‌ساله، توسعه صنعتی باشد، کتابخانه‌ها عمومی می‌باید که در جهت علاقه‌مند کردن مراجعان به مسائل و مباحث اقتصاد صنعتی تلاش و کوشش بیشتری بکنند، کتابها و نشریات اقتصادی را به تعداد زیادتر در اختیار مراجعان قرار دهند، اخبار،

مقالات و چکیده‌های اقتصادی و بویژه اقتصاد صنعتی را به طرق مختلف در دسترس علاقه‌مندان بگذارند، بروشورها و کاتالوگ‌های فرآورده‌های صنعتی و نمایشگاه‌های صنعتی که در داخل و خارج از کشور برگزار می‌شود به اطلاع افراد برسد، نمایشگاه‌های عکس و اسلاید از پیشرفتهای صنعتی داخل کشور و دنیای صنعت را در معرض دید مراجعان قرار دهند. این امر ممکن است که در موضوع کشاورزی، تجارت و غیره نیز صادق باشد.

آنچه لازمه این کار است نخست اطلاع درست و علمی مسئولان کتابخانه‌ها از هدف توسعه فرهنگی و دوم امکانات مورد نیاز و برنامه‌ریزی صحیح جهت علاقه‌مند کردن مراجعان و اعضاء به این قبیل سیاست‌هاست.

نکته‌ای که یادآوری آن لازم می‌نماید آن است که برخی از مدیران و کتابداران به دلیل حساسیت — یا بهتر بگوییم وسواس — که در حفظ و حراست منابع دارند، به جای آنکه منابع اطلاعاتی و بویژه تازه‌های اطلاعات را در دسترس مراجعان قرار دهند عملاً به حبس و احتکار منابع و اطلاعات می‌پردازند. مهم نیست که این کار از روی سهویا عمد باشد، در هر دو صورت نتیجه آن یکسان است و آن محروم کردن مراجعان از اطلاعات مورد نیاز است که گناهی است نابخشودنی.

باید مدیران نخست خود توجیه شوند و سپس همکاران خویش را توجیه نمایند که وظیفه اصلی کتابدار اطلاع‌رسانی است. حفظ و حراست از گنجینه‌ای که هیچ‌گونه استفاده‌ای از آن نشود درواقع «دفن» گنجینه است نه «عرضه» آن.

یکی از دلایل مهم رکود و عدم استقبال مراجعان از کتابخانه‌های عمومی همین عامل است که امیدوارم با توجیه بیشتر همکاران هرچه زودتر برطرف شود.

غلامرضا فدائی عراقی

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

— به نظر شما کتابخانه‌های عمومی چه رسالتی برعهده دارند؟

— رسالت کتابخانه‌های عمومی به وسعت معنای آن وابسته است. اگر می‌توانید عموم را تعریف کنید رسالت کتابخانه‌های عمومی را هم می‌توانید تعریف کنید. هرچه این عموم از نظر کمی و کیفی وسیعتر باشد، دشواری تبیین رسالت این نوع کتابخانه‌ها هم بیشتر می‌شود. شما تفاوت بین یک کتابخانه عمومی مربوط به جامعه کوچک چند صد نفری در یک روستا یا بخش را با یک جامعه چندین هزار نفری و به طریق اولی در یک جامعه چند میلیونی مثل شهر تهران را به خوبی می‌توانید درک کنید. ابعاد کمی و پیچیدگی کیفی شناخت جامعه‌های بزرگتر و درک نیازمندی آنها و فراهم آوردن آنها در یک و یا چند محل به نام کتابخانه‌های عمومی درواقع بسیار مشکل‌تر است و هرچه

هست کتابخانه‌های عمومی مخاطبان عام دارد، عموم مردم با آن سرو کار دارند. به تعبیر دیگر می‌توان گفت که از یک نظر کتابخانه عمومی مانند مسجد است، مال همه است، همیشه و همه جا وجود دارد، و درش به روی مردم باز است. ضمن این که می‌توان از لحاظ قدرت نیز آن را همانند مسجد دانست که مراجعه کنندگان به قصد آموزش، تهذیب و کسب طریق و راه حل برای مشکلات خود به آن مراجعه می‌کنند. از نگاه دیگر می‌توان گفت که کتابخانه عمومی واسطه بین جامعه و مدرسه و

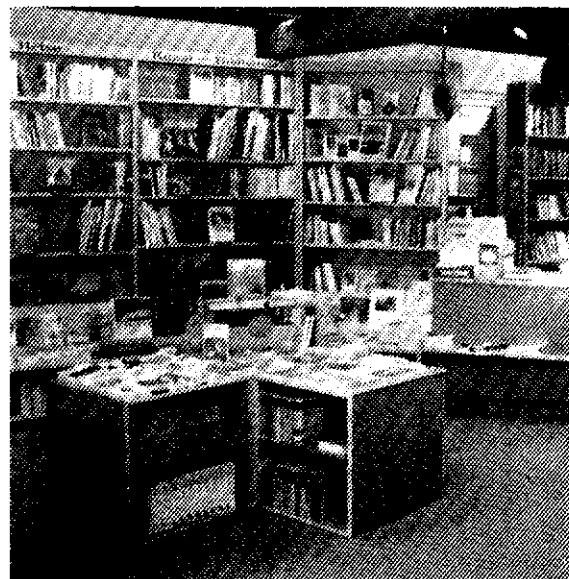
● از یک نظر کتابخانه عمومی مانند مسجد است، مال همه است، همیشه و همه جا وجود دارد، و درش به روی مردم باز است.

● کتابخانه عمومی از یک دیدگاه محل تماس و ارتباط صاحب نظران مسائل اجتماعی و فرهنگی است.

دانشگاه است. آنهایی که دستشان به دانش آموختگان دانشگاه و مدارس در آن مراکز نمی‌رسد می‌توانند در کتابخانه‌های عمومی آن را بیابند. میعادگاه اهل نظر است برای بیان نظرات خویش به جامعه. کتابخانه‌های عمومی می‌توانند در مقیاس بسیار کوچکی نقش صدا و سیما را در جهت اشاعه فرهنگ عمومی بازی کنند.

— توسعه فرهنگی را چه تعریف می‌کنید؟

— تعریف فرهنگ از آن مقولات سهل و ممتنع است و به نظر ساده می‌آید ولی درواقع از فرط سادگی نمی‌توان تعریف جامعی برای آن یافت. هر کس از منظری به آن می‌نگرد و نقش خویش



را در آن می‌بیند. جامعه‌ای که فقط به مادیات می‌اندیشد فرهنگ را هم مادی می‌پندارد. ملتی که عرفان اساس وجودش را فرا گرفته است به فرهنگ رنگی عرفانی می‌زند و یا آنکه از دریچه علم همه چیز را می‌بینند فرهنگ بازتاب نگرشهای علمی آنها خواهد بود. تاکنون از فرهنگ ده‌ها تعریف شده است. بحث و بررسی نظرات متفاوت اندیشمندان در زمینه فرهنگ فرصتی مناسب می‌طلبد. اما به نظر من می‌توان فرهنگ را چنین تعریف کرد که کلیه استانداردهای فکری، تاریخی، اجتماعی، مذهبی، اقتصادی و سیاسی یک جامعه که میراث نسلهای گذشته نیز هست و هویت و شخصیت‌های یک ملت را تشکیل می‌دهد و آن ملت باید در ارتقاء و تعالی آن بکوشد فرهنگ نامیده می‌شود. بدیهی است که توسعه فرهنگی ناظر به گسترش کمی و کیفی این دستاوردهاست.

از آن‌جا که در جهان ملّت‌های مختلف وجود دارد فرهنگ‌های گوناگونی هم وجود دارد و نمی‌توان نسخه‌ای واحد برای همه ملل جهان نوشت، حتی برای یک ملت هم نمی‌توان با توجه به قومیت‌های مختلف و آداب و سلاقی و رسوم گوناگون فرهنگ واحدی را مشخص کرد. شاید این تفاوت و تخالف در آراء و عقاید ملل، اقوام و قبائل، خود از ویژگی‌های ساختاری فرهنگ باشد. به عبارت دیگر فرهنگ آن است که در ذات خود چنین تمایزها و تفاوتها را داشته و بر آن صحنه گذاشته باشد زیرا این تفاوتها موجب رشد و بالندگی می‌شود.

اما باید توجه داشت که مآلاً هر فرهنگی با همه تخالف‌ها و تضادها رنگی دارد و جهتی و سمت و سویی و این با وجود تخالف‌ها هیچ‌گونه مغایرتی ندارد. ممکن است ملتی لائیک باشد و سمت و سوی فرهنگش هم به سوی لائیسزم و ملتی دیگر مذهب برایش همه چیز است و لذا جهت کلی فرهنگ طبقه‌ای مذهبی و همینطور...

در این جا ممکن است عده‌ای به جهان‌وطنی معتقد باشند و جهان را به مثابه یک خانه فرض کنند که همه باید با فرهنگ‌های یکدیگر آشنا شوند و چه بسا تأثیر و تأثر پذیرند و یا اقوام به اصطلاح برتر، فرهنگ خود را به اقوام زیردست دیکته کنند اما باید دانست که چنین چیزی نه در شعار و نه در عمل ممکن نیست. در شعار ممکن نیست زیرا همه می‌دانند که جهان‌وطنی خود شعار و سرابی بیش نیست. آنهایی که دم از جهان‌وطنی می‌زنند به نوعی به فکر چپاول دیگران و استثمار آنان بوده‌اند. جهان‌وطنی در صورتی خوب است که قدرتهای مافیایی بتوانند ملل دیگر را تحت سلطه فکری و سپس اقتصادی و اجتماعی قرار دهند!! در عمل هم می‌بینیم که چگونه ملّت‌های مظلومی گرفتار ستم معتقدان به آزادی و برابری می‌شوند. جنایاتی که در فلسطین انجام شده و می‌شود نمونه بزرگی از این دسته است حالا مورد دیگری بر آن اضافه شده و آن جنایات و آدم کشی



دانش جویان و دانش پژوهان تا برسد به بازنشستگان و کودکان خردسال است.

### — برای ایجاد پیوندی مؤثر میان کتابخانه عمومی و توسعه فرهنگی چه پیشنهادی دارید؟

— به نظر من برای این که کتابخانه‌های عمومی نقش مؤثری در توسعه فرهنگی داشته باشند باید به مسائل زیر توجه داشت:

۱. درک نیاز جامعه. درک نیاز جامعه متکی بر شناخت واقعی جامعه است. در جامعه‌ای که اندیشمندان آن جامعه را آن‌طور که باید و شاید نشناخته باشند طبیعی است که به نیاز واقعی آنان نیز واقف نباشند. شما در یک مدرسه و در یک کلاس درس وقتی بخواهید درس بگویید، در چند جلسه اول با برنامه‌های خاص به ارزیابی کیفیت و سطح کلاس می‌پردازید و متناسب با آن برنامه درسی خود را شروع می‌کنید. جامعه با پیچیدگی‌های خاص خود باید مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد. به نظر می‌رسد بررسی، کم و کیف خلق و خو و خواست و تمایلات و هنجارها و ناهنجاریهای جامعه از مقولاتی است که به دلیل دشواری کار کمتر مورد توجه قرار گرفته و اندیشمندان کمتری هم در این رابطه تربیت شده‌اند.

۲. فراهم آوردن نیاز جامعه در کتابخانه. وقتی جامعه شناخته شد طبعاً نیازمندیهای آن هم کم و بیش مشخص می‌شود و متناسب با نیازمندیها و با رعایت اولویتها منابع و مدارک در کتابخانه باید فراهم شود. عدم توجه به این مسأله سبب می‌شود تا آنچه را که مطابق ذوق و سلیقه و نیاز واقعی جامعه نیست در کتابخانه گردآوری شود، آن وقت مشاهده گردد که سالها و سالها می‌گذرد و اثری از مراجعه کننده نیست و یا آنقدر کم است که به قول معروف «التادر کالمعدوم» است.

۳. انتخاب مکانی مناسب برای کتابخانه. اگر بخواهیم که نقش کتابخانه عمومی در توسعه فرهنگی از درجه بالایی برخوردار باشد و جامعه مخاطب به آن میل و رغبت کنند و دائماً مورد استفاده قرار دهند باید در انتخاب مکان مناسب چه به لحاظ ساختمانی، فضا و نور و تجهیزات و چه به لحاظ مرکزیت و قابل دسترس بودن دقت فراوان شود. چگونه است که شما درمانگاه و یا مدرسه را جایی انتخاب می‌کنید که همگان با سهولت بتوانند به آن دسترسی پیدا کنند و وقتی وارد محوطه آن می‌شوند با مشکلی مواجه نگردند، به نظر من به کتابخانه عمومی هم باید با چنین نگرشی برخورد کرد.

۴. گماردن افراد بصیر و آشنا و دلسوز در کتابخانه‌های عمومی. وقتی بنا شد کتابخانه را به عنوان مرکزی جهت ارتقاء سطح فرهنگی جامعه در نظر بگیریم و با انتخاب مکان مناسب و فراهم آوردن مجموعه مناسب با نیاز جامعه آن را به جامعه عرضه کنیم، طبعاً مدیران و کارگزاران کار آشنا، باسواد و دلسوزی را

و نسل براندازی مردم مسلمان بوسنی و هرزگوین است که با آنکه از نظر نژاد با اروپائیان قرابت و نزدیکی کامل دارد اما به جرم مسلمان بودن آماج همه گونه حمله قرار گرفته است.

### — آیا کتابخانه عمومی نقشی در توسعه فرهنگی دارد؟ اگر پاسخ مثبت است آن تأثیر چگونه متجلی می‌شود؟

— مسلماً کتابخانه‌های عمومی نقش بسیار زیادی در توسعه فرهنگی دارند. اما همانطور که گفته شد از آن‌جا که مفهوم فرهنگ پیچیده است و تعریف توسعه فرهنگی از آن پیچیده‌تر و دشوارتر، لذا طبیعی است که اختلاف نظر هم در آن زیاد است. بنابراین کتابخانه عمومی محلی خواهد بود که اهل نظر در کنار

• یکی از ویژگیهایی که می‌تواند سهم کتابخانه‌های عمومی را در توسعه فرهنگی بالا ببرد روزآمد نگاه داشتن مجموعه است.

• کتابخانه عمومی اگر فعال باشد و اگر تمهیدات لازم برای آن پیش‌بینی شده باشد می‌تواند و باید با جامعه خویش رابطه برقرار کند.

یکدیگر بتوانند حرفهای خود را بزنند، عقاید خود را اظهار کنند و بدون تعصب و لجاجت و کینه‌ورزی آنچه را دریافته‌اند نه برای پذیرش که برای اصلاح و نقد در برابر افکار دیگر اندیشمندان قرار دهند. کتابخانه عمومی مانند کتابخانه پزشکی و یا کتابخانه علوم عملی نیست که محققان عمدتاً برگرد مطالب ثابت شده و یا مشخص‌تر بتوانند به بحث و تحقیق بپردازند. کتابخانه عمومی از یک دیدگاه محل تماس و ارتباط صاحب‌نظران مسائل اجتماعی و فرهنگی است. محلی است برای شناخت جامعه مورد نظر و بررسی افکار، آداب، عقاید و رسوم آنان. هنجارها و ناهنجاریهای اجتماعی و فرهنگی می‌تواند مورد بحث، مذاقه و تحقیق قرار گیرد و این در حیطه اندیشمندان و صاحب‌نظران جامعه است.

از جهت دیگر نیز کتابخانه عمومی در توسعه فرهنگی نقش مؤثر دارد و آن به این دلیل است که همه طبقات می‌توانند به آن مراجعه کنند. کتابخانه عمومی می‌تواند میعادگاه برخورد صاحب‌نظران جامعه با افراد عادی باشد. این ارتباط و امتزاج، زمینه ایجاد امکان عمل برای تحقیقات نظری است. ثنوریها می‌تواند مصادیق کاربردی خود را در کتابخانه‌های عمومی بازیابد و به عبارت دیگر علم اجتماع، عینیت خود را می‌تواند از جمله در کتابخانه‌های عمومی به محک بزند. مخاطبان کتابخانه‌های عمومی هم دانشگاهی است، هم کاسب و کارگر است، و هم محصل و خانم خانه‌دار و هم بازاری و کشاورز و

طلب می‌کند تا بتواند از سرمایه‌گذاری انجام شده حداکثر استفاده را ببرد. چنین افرادی، بویژه آنهایی که در تماس مستقیم با مردم هستند، یا بخش مرجع آن را اداره می‌کنند باید هم زبان‌دان باشند و هم زبان مردم را بفهمند. زبان‌دان بودن به این معناست که مسلط بر زبان رایج و نیز زبانهای که مجموعه کتابخانه حاوی آن است باشد، ولی زبان مردم را بفهمد به این معنی است که بتواند با مردم ارتباط برقرار کند. از چنان خلق و خو و سعه صدری برخوردار باشد که نه تنها مردم را از کتابخانه گریزان نکند، بلکه موجب جذب و جلب آنها شود و به ویژه جوانان و نوجوانان ساعت فراغت خود را در آن سپری کنند.

۵. بازبینی مستمر مجموعه. یکی از ویژگیهایی که می‌تواند سهم کتابخانه‌های عمومی را در توسعه فرهنگی بالا ببرد روزآمد نگاه داشتن مجموعه است. جامعه پویا و مترقی همواره در حرکت است و این حرکت و بالندگی موجب می‌شود که نیازمندیهای جدیدی داشته باشد. کتابخانه عمومی باید از چنان قدرت و پشتوانه‌ای برخوردار باشد که بتواند به نیازمندیهای جامعه پاسخ گوید، بتواند مجموعه را روزآمد کند، قدرت وجین کردن داشته باشد یا بتواند مجموعه زائد را به کتابخانه‌های دیگری که بیشتر آن را نیاز دارند برساند و یا از مجموعه‌های آنها استفاده کند. بسیار اتفاق می‌افتد که سیاستگذاران جامعه به فکر انجام اموری هستند که لازم است ذهن جامعه نسبت به آن آماده باشد.

فی المثل، تنظیم خانواده یکی از مسائل اجتماعی مورد ابتلای ماست اگر سهمی برای کتابخانه‌های عمومی به معنای واقعی کلمه قائل باشیم باید پیش از شروع این کار، این کتابخانه‌ها را با انواع مواد تبلیغی آموزشی مجهز کنیم و همان گونه که با صدا و سیما برخورد می‌کنیم و برای تبلیغات و آموزشهای آن هزینه می‌کنیم و خوب هم هزینه می‌کنیم در اینجا نیز چنین برخوردی داشته باشیم.

۶. پیش‌بینی راههای برقراری ارتباط. این که مکان کتابخانه عمومی جایی باشد که امکان دسترسی عامه به آن آسان باشد لازم است اما کافی نیست. کتابخانه باید راههای برقراری ارتباط را از طریق دیگر جستجو کند و به اطلاع عموم برساند. امروزه مسأله ارتباط مسأله مهم روز است. با ارتباط بسیاری از مسائل حل می‌شود و دانستن این که چگونه ارتباط برقرار می‌شود یک از موارد مهم است و در بعضی موارد نیاز به اندیشیدن، برنامه‌ریزی کردن و تخصص داشتن دارد. و دانستن این که مردم یک شهر و یا محل می‌توانند علاوه بر راههای موجود وقتگیر با کتابخانه برای رفع حاجت و یا حاجات خود ارتباط برقرار کنند اهمیت دارد. از طریق مکاتبه، از طریق تلفن، از طریق تلویزیون، از راه مراجعه مستقیم و تسهیلات لازمی که در این زمینه پیش‌بینی شده است همه می‌تواند زمینه‌ساز توسعه روابط و ارتباط باشد که مقوم توسعه فرهنگی است.

کتابخانه عمومی اگر فعال باشد و اگر تمهیدات لازم برای آن پیش‌بینی شده باشد می‌تواند و باید با جامعه خویش رابطه برقرار کند. یعنی باب سخن را با آن باز کند. همانند روانکاو که می‌خواهد مشکل روانی شخصی را حل کند کتابخانه عمومی می‌تواند مسائل و معضلات اجتماعی را به بحث بکشد، از مردم سؤال کند و از صاحب‌نظران پاسخ آنها را جویا شود. و در این رابطه پلی باشد بین اندیشمندان جامعه و مردم، و یا در مثلث اندیشمندان، مجموعه کتابخانه و مردم رابط کارآمد و فعالی باشد.

۷. فراهم آوردن هدایتگری و یا تبلیغات صحیح. امروزه تبلیغات رکن اساسی در ارشاد و هدایت مشتریان است. بخش اعظم سرمایه‌گذاری در هر تولیدی صرف تبلیغات آن می‌شود. کتابخانه‌های عمومی به عنوان واحدهای اطلاع‌رسانی در سطح جامعه با توجه به توان و توسعه‌شان باید مورد شناسایی قرار گیرند و چنانچه مقامات مسؤول و جامعه فرهنگی هر دو از آن انتظار دارند که در مسیر توسعه فرهنگی نقش آفرین باشد باید توانایی‌های بالقوه و بالفعل آن را به سمع مردم برسانند و بدانند که کثرت مشتری نه تنها موجب ملال نمی‌شود که خود باعث توجه مردم و مسؤولان به این کانون‌های علمی - فرهنگی می‌گردد و نقش این توجه و اقبال موضوعیت دارد.

۸. تقویت انجمن کتابخانه‌های عمومی. از آنجا که کتابخانه‌های عمومی مربوط به عموم مردم است بیش از هر سازمان دولتی دیگر به مردم نزدیک است و با مردم ارتباط دارد، لذا وجود انجمن‌ها که بویژه می‌توانند از نظر مالی و فرهنگی کتابخانه‌ها را تقویت کنند نقش اساسی دارد.

مردمی کردن کتابخانه‌ها یکی از سیاستهای کنونی دولت است و به نظر می‌رسد که در این شرایط چنانچه شهرداری‌ها که از نظر مالی خودکفا هستند به سرو سامان بخشیدن به کتابخانه‌ها چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی بپردازند قدم بزرگی در این زمینه برداشته خواهد شد.

### ثريا قول‌اياغ

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

### — به نظر شما کتابخانه عمومی چه رسالتی برعهده دارد؟ —

— به نظر می‌رسد انسان از لحظه‌های آغازین حیات اجتماعی خود طالب آن بوده است که حاصل کنکاشها و تجربه‌های علمی و تفکرات خود را در باب پدیده‌ها و نیز کلیه دستاوردهایش را به دیگران منتقل کند و همچنین در آنچه دیگران اندوخته‌اند سهم شود و این کار را به شهادت تاریخ با شیوه‌های گوناگون مخصوص به خود انجام داده است. آنگاه که ارتباطها بدوی بوده است و شفاهی، از دهانی به گوشی و از سینه‌ای به سینه‌ای